



## یادداشت

## تخیلات دلچسب ما

حیف که گاهی امکانات موجود اجازه نمی‌دهد که به آن چه که انتظار داریم و در تصور خود می‌پرورانیم، دست باییم. با خانم



زیلامهرجویی

در خشنده نشستیم و ایده‌های بسیاری را برای طراحی لوکیشن پرسوناژ اصلی فیلم «حرفهای ما» در سر پروراندیم. استفاده از امکانات دیجیتال، یک زندگی آلترا مدرن، فضای بزرگ و روشن، شاید حتی یک پنت هاوس با چنین و چنان میلمان و کرکره‌های خودکار بالا و پایین رونده و چندین ریموت کنترل جهت روشن و خاموش کردن نورها و به راه انداختن دستگاه‌های الکترونیکی و برقی و ... خلاصه کسی جلودار نبود، تا کجاها که پیش رفتیم... چه‌ها که در تخیل خود نیافتیم... و فکر کردیم که فقط یک قدم تا اجرای آن، راه داریم... اما، اولین مشکل از یافتن لوکیشن مورد نظر شروع شد و بعد پیاده کردن امکانات دیجیتالی که در هر لوکیشنی امکان پذیر نبود و بعد میلمان و اکسوار آن و مشکلات دیگر و مشکلات دیگر... مگر دفعه اول بود، همیشه همین گونه است. برای تقریباً همه فیلم‌ها... می‌گوییم سیستم سینمای ما چه تلویزیونی چه سینمایی، شده است دقیقه نودی... هر کار هم می‌کنیم که شده فقط چند ثانیه جلویفتیم، کمتر موفق می‌شویم... و مهم‌تر از همه هزینه. هزینه و هزینه... پس آن چه که شد این است که می‌بینید... آیا هیچ جای پایی از تخیلات ما در آن دیده می‌شود؟! من هنوز فیلم را ندیده‌ام. خانم در خشنده ظاهراً راضی هستند. من بی‌آن که فیلم را دیده باشم، فکر می‌کنم فیلم خوبی از آب درآمده. اما هنوز دلنگان آن تخیلاتی هستم که چند روزی بسا آن خوش بودم، اما کم رنگ باخت و به چیز دیگری تبدیل شد. ولی آیا بالاخره می‌شود یک روز به آن چه که در تخیل خود می‌پرورانم جامه عمل بپوشانم...؟ شاید، چرا که نه... باید همیشه امیدوار بود... فقط اگر عمرم کفاف دهد...



مخصوصاً در «بچه‌های ابدی». در «شمعی در باد» جوان‌هایی فیلم را دوست داشتند که آنها هم به نوعی در جامعه یا خانواده‌شان دیده نشده بودند و فیلم را زبان حال خودشان می‌دانستند. در دلدل‌های آنها برای من خیلی مهم بود. این که تو بخوای یا نیت تغییر نگرش، فیلم بسازی، حس خوبی به تو می‌دهد که غیرقابل وصف است. این که به آدم‌ها اجازه بدهیم از همان پنجره‌های که ما به بیرون نگاه می‌کنیم، آنها هم نگاه کنند و پشیمان نزنیم. این حس خیلی خوبی است.

• شما امروز در کنار فیلم‌سازان جوانی که خیلی از آنها تا دیروز مخاطبان بوده‌اند قرار گرفته‌اید و در این بخش با یک سنگ مورد قضاوت قرار می‌گیرید. این اتفاق چه حسی برای شما دارد؟

به نظرم نسل جدید فیلم‌سازان ما نسل خیلی هوشمندی هستند و می‌دانند دارند چه می‌کنند و در واقع دغدغه‌هایشان کاملاً مشخص است و حرفی برای گفتن دارند و وارد این میدان شده‌اند. طبیعتاً از این موضوع خوشحالم که در چنین شرایطی در کنار هم هستیم. این فرصت خیلی خوبی است. فکر می‌کنم این طوری می‌شود معنا پیدا کرد. این طوری آدم‌ها معنا پیدا می‌کنند که یک جایی آدم‌هایی از نسل‌های مختلف حرف همدیگر را بفهمند و همدیگر را درک کنند. هیچ کدام قصد پس زدن دیگری را نداریم، بلکه همه دارند تلاش می‌کنند بر اساس شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند حرف بزنند. این که اسامال ما داریم تلاش می‌کنیم تا خودمان را به نسل جدید برسانیم، چون این نسل دارد به سرعت رو به جلو می‌رود. نسل قدیم هم برای این که بماند، باید تلاش کند تا خودش را به اینها برساند. من از این اتفاق خیلی خوشحالم.

## شناسنامه

## حرفهای ما

کارگردان: بوران درخشنده  
تهیه کننده: محمود رضائی  
فیلمنامه نویس: محسن قادری  
صدابردار: هادی افشار  
صداگذار: محمد حقیقی  
طراح صحنه و لباس: زیلامهرجویی  
چهره پرداز: مهین نویدی  
جلوه‌های ویژه: داوود رسولیان  
فیلم بردار: رضا جلالی  
تدوینگر: بهرام دهقانی  
موسیقی: ناصر چشم آذر  
مدیر تولید: ناصر پزشکی

بازیگران: داربوش فرهنگ، مجید جوزانی، حنا شهشهانی، محسن اصلانی، عزت اله مهرآوران، مسعود چوبین، گیتی ساعتچی  
خلاصه داستان:

آذین که سال‌هاست از همسرش جدا شده، رئیس یک شرکت هر می‌است و از این طریق، سود کلانی را نصیب خود می‌کند. دکتر روان‌شناس او، برای درمان تیک‌های عصبی آذین، به او توصیه می‌کند اجازه دهد زمینه آشنایی و دیدار آذین و دخترش - که آذین به اشتباه تصور می‌کرده ۱۷ سال قبل، هنگام جدایی از همسرش سقط شده - فراهم کند. ورود این دختر به زندگی آذین، حوادثی را به وجود می‌آورد...

## مخصوصاً از جشنواره فجر؟

دوست دارم فیلم دیده شود و مورد توجه قرار گیرد، ولی واقعاً سیمیرغ به لحاظ دیده شدن و توجهی که به کار داشته‌ای و... برایت اهمیت دارد، ولی هیچ وقت برای سیمیرغ کار نکرده‌ام. ترجیح داده‌ام که برای مردم کار کنم و اگر مردم کارم را دوست داشته باشند، هر کدام از آنها برای من یک سیمیرغ هستند.

• خیلی از کارگردان‌هایی گویند گیشه برایشان اهمیتی ندارد و فقط به فکر فیلم خوب ساختن هستند و... در فیلم‌سازی گیشه برای شما چقدر مهم است؟

خیلی مهم است. در واقع مخاطب بالا برای من خیلی مهم است. یعنی تلاش می‌کنم مخاطب بیشتری داشته باشم. در هر دوره‌ای که در جشنواره حضور داشته‌ام، در تمام سانس‌هایی که فیلم نمایش داده می‌شد حضور پیدا می‌کردم. چون برای من خیلی مهم بود که مخاطب چه عکس‌العملی نسبت به کارم دارد و من این طوری خودم پیدا می‌کردم که چقدر به آنها نزدیک شده‌ام یا چقدر دورم، یا این که آیا این فیلم قدرت جذب مخاطب را دارد یا نه؟ جزو این گروه نیستیم که صرفاً فیلمی برای گیشه بسازم. اما دوست دارم فیلمی بسازم که مخاطب بالا داشته باشد؛ همان طوری که «پرند کوچک خوشبختی» داشت. همان طوری که «عشق بدون مرز» و «شمعی در باد» داشتند. به هر حال اینها فیلم‌های بر مخاطبی بوده‌اند. موقعیت خوب اگران برای «بچه‌های ابدی» و «رویای خیس» به وجود نیامد، اما در برخورد مردم از طریق ویدیوی خانگی به آن چیزی که باید رسیدند. این نشان می‌دهد اگر شرایط خوبی برای اکثرشان به وجود می‌آید، همین استقبال می‌شود. کما این که «بچه‌های ابدی» در همدان بیشترین آرای بینندگان را داشت و در تهران هم ۷۵ درصد آرا را به دست آورد. خوب اینها نشان می‌دهد که از تباط با مخاطب مهم است، چون من واقعاً فیلم را برای هنر نمی‌سازم، نمی‌خواهم فیلم را شخصی بسازم. فیلم برای مردم است و از زبان مردم برای آنها می‌گوید که فریادی دارند اما کسی صدایشان را نمی‌شنود. این صدا باید از گلولی فیلم‌ساز روی سلولوئید خارج شود.

• قشنگ‌ترین واکنشی را که از طرف یک مخاطب در سالن‌های سینما دیده‌اید به خاطر می‌آورید؟

بله. بر خوردهای زیادی بوده‌اند. من سعی می‌کنم بعد از پایان کارهایم بیسن مردم بمانم و واکنش آنها را ببینم. بر خوردهای زیادی بودند،

در درجه اول خود فیلمنامه‌اش و دوم توانمندی کارگردانی که قرار است آن فیلمنامه را بسازد. طبیعتاً من هم تلاش می‌کنم تمام شرایط را فراهم کنم برای این که فضایی دلپذیر را برای کارگردانم به وجود بیاورم تا او هم بتواند آن چیزی را که در اندیشه دارد پیاده کند. چون من خودم کارگردانی هستم که تهیه‌کنندگی هم می‌کنم. بنابراین حرفه اصلی من کارگردانی است. من کارگردان تهیه‌کننده‌ام نه تهیه‌کننده کارگردان. به همین خاطر برای من خیلی اهمیت دارد که فضای آرامش برای فیلم‌ساز فراهم شود که بتواند به دغدغه‌هایش بپردازد.

• چون خودتان کارگردان هستید، وقتی با یک کارگردان دیگر به عنوان یک تهیه‌کننده روبه‌رو هستید، در کارش اعمال نظر می‌کنید یا نه؟

نه، به هیچ عنوان. هر فیلمنامه‌ای را که به من بدهند، نظرم را در موردش می‌دهم. ممکن است به کارگردان نظراتم را بگویم، اما این به آن معنی نیست که باید نظراتم اعمال شود. چون به نظرم کارگردان خالق اثر است و باید یک فضای آزاد ذهنی داشته باشد که بتواند در آن حرکت کند و در این فضای سیال ذهن خودش آن چیزی را که می‌خواهد پیدا کند. هیچ وقت به خودم این اجازه را نمی‌دهم که هیچ نوع اعمال نظری در کار کارگردان داشته باشم.

• هر فیلم مشخصه‌ای دارد که بیشتر از باقی چیزها در ذهن سازنده‌اش می‌ماند. این اتفاق برای شما در مورد «حرفهای ما» چه بود؟

مهم‌ترین مشخصه این فیلم همان طور که در بالا هم گفتیم، درگیری‌های روحی و روانی یک آدم در دنیای مجازی است و این که می‌خواهد به هر قیمتی در قله هر چیز بایستد و حالا به جایی می‌رسد که می‌فهمد چیزی را در وجودش ندارد؛ چیزی که هسته اصلی زندگی یک انسان را تشکیل می‌دهد. انسان با روابطش زندگی می‌کند، با پیچیدگی‌ها و برخورددهایش، با حضوری که در ارتباط‌های جمعی‌اش دارد و... این زمانی معنا پیدا می‌کند که آدم‌هایی او را دوست داشته باشند. همه آدم‌ها به این نیاز دارند که به هر حال دیده بشوند. نیازمند این که به آنها توجه شود. وقتی احساس می‌کند که این توجه‌ها نیست و هیچ کدام اینها را ندارد چون در طول زندگی‌اش به فکر چیزهای دیگری بوده و از یک نقطه دیگری غافل شده، حالا سعی می‌کند خودش را درمان کند.

• بردن جایزه چقدر برایتان اهمیت دارد.

